

نگاه

جهانی آشفته و آشنا

درباره دنیای نقاشی‌های علی بنی‌صدر نقاش ایرانی ساکن نیویورک

امین‌شاهد

منتقدروزنامه‌نگار

علی بنی‌صدر پرفروش‌ترین هنرمند ایرانی مقیم خارج از ایران با مجموع فروش نزدیک به ۹ میلیون دلار در حراجی‌هایست. او در جهانی پرآشوب و ملاحظه به دنیا آمد. دنیایی که به‌شدت از ایده‌های کامال‌گرایانه هنرمندان گذشته دور شده است. آثار او به دنبال تکرار جزئیات دقیق و آشنا مانند مینیاتورهای ایرانی یا آثار هیرونیموس بوش نیستند. در کارهایش ترکیب یکپارچه و هم‌زمان چیزهای شناخته‌شده و خارق‌العاده هدف نیست؛ بلکه به سمت فضایی تَب‌آلود و ناآرام حرکت می‌کند. بنی‌صدر با استفاده ماهرانه از ابزار نقاشی، جهانی می‌سازد از چهره‌هایی که گاه در مرکز توجه و گاه در حال دورشدن هستند. آنها مدام بین آشناپودن و ابهام در نوسان و تعلیق‌اند. چهره‌های نقاشی‌های او نمایانگر بحران هویت و تلاش برای یافتن معنا در دنیای معاصر هستند. برخی از این چهره‌ها واضح و قابل شناسایی‌اند؛ درحالی‌که برخی در پس‌زمینه‌های پیچیده و تودرتو محو می‌شوند. این نوع نبود قطعیت به یکی از ویژگی‌های برجسته آثار بنی‌صدر تبدیل شده است. فضایی که او خلق می‌کند، هم جذاب است و هم دلهره‌آور. این کارها به نوعی معماهای بصری و احساسی تبدیل شده‌اند. چهره‌های نقاشی‌های او گاه واضح و گاه در سایه و رنگ‌های تیره محو می‌شوند. این نوع برخورد با آثار علی بنی‌صدر، احساسی از نبود قطعیت در ما ایجاد می‌کند؛ آیا این چهره‌ها تصویری از خود ما هستند یا نمادهایی هستند از تجربیات بشری؟

آشفنگی بصری که در آثار او به چشم می‌خورد، ارتباط مستقیمی با زندگی‌نامه بنی‌صدر دارد. علی در سال ۱۹۷۶ در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۸ به همراه خانواده به سن دیگووی کالیفرنیا مهاجرت کرد. در مصاحبه‌های خود اشاره کرده که دوران کودکی‌اش تحت تأثیر دو رویداد بزرگ در تاریخ ایران قرار گرفته است: انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که منجر به سرنگونی شاه ایران و حکومت پهلوی شد، و جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰–۱۹۸۸). کودکی او تحت تأثیر این دو رویداد بود و او قبل از مهاجرت، دوران کودکی‌اش را در فضای جنگ و انقلاب سیری کرد. در واقع بنی‌صدر این تجربیات و تأثیر آنها را در آثار خود بازتاب می‌دهد، اما این بازتاب به شکل مستقیم و حکایت‌گونه نیست، بلکه با حالتی وهم‌انگیز و رؤیاگونه در آثارش ظاهر می‌شوند. بنی‌صدر از سال ۲۰۰۷ با آثاری مانند «سیاه»، «اسکون» و «کافران» به سبک شخصی خود دست یافت. او در این آثار از دو منبع الهام بزرگ، بهره گرفت: اول از اکسپرسیونیست‌های انتزاعی که به بازی‌های قلم‌مو و رنگ‌های پرقدرت علاقه داشتند، مانند کانسنر و گوگرکی که نقاشی را به بازی برای بیان احساسات عمیق تبدیل کردند. دوم از مینی‌الیست‌ها و نقاشانی مانند بریس مارتن، که با استفاده از رنگ‌های ساده ولی معنادار، به ایجاد فضاهای خاص در آثارشان می‌پرداختند.

در این نقاشی‌ها، بنی‌صدر ترکیبی از الگوهای شرقی مانند نقوش زاپنی و مینیاتورهای ایرانی و مغولی را با تکنیک‌های مدرن غربی ترکیب کرده است. او در آثارش مانند «کافران» با ترکیب رنگ‌های سبز و آبی کم‌رنگ به همراه فرمزهای انتزاعی، احساسات پیچیده‌ای را به تصویر می‌کشد؛ رنگ‌های بهاری در کنار فرم‌های گوشه‌وا و فرمز، حس تضاد و تغییر را به نمایش می‌گذارد.



او در آثارش به دنبال بازآفرینی دقیق وقایع تاریخی یا رویدادهای خاص نیست. در واقع کارهای او بیشتر به بازنمایی احساسات درونی و دنیای پیچیده عاطفی مشترک بین افراد اشاره دارد تا اینکه بخواهد فقط یک رویانگر باشد. بنی‌صدر به جای اینکه صرفاً به بازنمایی تجربه‌های شخصی یا توصیف جهان بیرونی دل‌بسته باشد، به کاوش در دنیای درونی و تجربه‌های حسی می‌پردازد. او نقاشی‌هایش را نه به‌عنوان روایتی دقیق از وقایع، بلکه به‌عنوان زمینه‌ای برای بیان پیچیدگی‌های عاطفی و روانی تولید می‌کند. رنگ‌های زنده و چهره‌های پر از احساس در آثار او، ما را به درون دنیای عواطف و تجربیات انسانی می‌کشاند. این چهره‌ها می‌توانند تصویری از خود ما باشند یا شاید نمادهایی از تجربیات جمعی بشری. هر نگاه به آثار او، ما را با سوآلاتی مواجه می‌کند که به تفکر و تأمل عمیق‌تر درباره هویت و روابط انسانی منجر می‌شود. بنی‌صدر در آثارش به موضوعات مهمی مانند مهاجرت، هویت و تغییرات اجتماعی نیز پرداخته است. او با استفاده از تکنیک‌های مدرن و سنتی، چالش‌هایی را که انسان معاصر با آنها روبه‌رو است، به تصویر می‌کشد. این موضوعات، همراه با سبک بصری منحصربه‌فرد او، باعث می‌شود که آثارش هم از نظر زیبایی‌شناختی و هم از نظر مفهومی دارای ارزش باشند.

نبود قطعیتی و پیچیدگی در آثار «علی بنی‌صدر» به ما یادآوری می‌کند که زندگی خودمان نیز پر از چالش‌ها و پرسش‌هاست. از شادی و عشق تا اضطراب و ناامیدی. این تنوع احساسی نشان‌دهنده درک عمیق او از روان انسان و پیچیدگی‌های آن است. هر اثر او تلاشی است برای بیان جنبه‌هایی از تجربیات انسانی که می‌تواند با تماشاگر ارتباط برقرار کند و در نهایت، ما را به سفری درونی به دنیای احساسات و هویت انسانی می‌برد. به‌همین‌دلیل آثار او نه‌تنها به‌عنوان قطعات هنری زیبا، بلکه به‌عنوان منابعی برای اندیشم‌ها و احساس‌های می‌کنند. هر نقاشی او یک داستان پنهان دارد که ما را به اندیشیدن درباره خود و جهان بیرومان‌مان وادار می‌کند.

توضیحات دو عکس:

cm. Cour- Black, Ali Banisadr, ۲۰۰۷, oil on linen, ۲۴ x ۲۸ inches, ۶۱ x ۷۱ cm.

cm. Ali Banisadr, Red, ۲۰۲۰, oil on linen, ۶۰ x ۴۸ inches, ۱۲۱.۹ x ۱۵۲.۴ cm.

Courtesy of the artist



اواخر سال ۱۳۹۲ کشمکش بر سر آثار پرویز تناولی و سازمان فرهنگی-هنری شهرداری بالا گرفته بود. ۲۵ اسفند همان سال، وقتی مأموران شهرداری در حال انتقال تعدادی از مجسمه‌های او از منزلش بودند، برخی آثار صدمه دیدند و بعد از آن هم برای مدتی بحث بر سر مالکیت و محل نگهداری آنها سرورودا کرد. حالا بعد از ۱۱ سال، در میان خبرهای مربوط به گنجینه موزه امام علی که در چند هفته اخیر جنجالی شده، نام آثار تناولی نیز دیده می‌شود؛ آثاری که روزگاری به شرط موزه‌شدن به شهرداری داده شدند، اما در نهایت از گنجینه موزه امام علی سردرآوردند. آثاری که خود تناولی در سال ۹۲ گفته بود قصدی برای فروش آنها در یکی از حراج‌های بین‌المللی وجود داشته که بی‌نتیجه ماند و اکنون با افشای خبر فروش تعدادی از آثار گنجینه موزه امام علی در دبی، نگرانی‌ها نسبت به فروش دیگر آثار هنرمندان شناخته‌شده از این گنجینه بیشتر شده است. در حالی‌که تب و ذوق‌زدگی فروش آثار هنرمندان ایرانی در دبی بعد از حدود دو دهه فروکش کرده، در چند هفته اخیر بار دیگر شاهد سرورودا درباره فروش آثار هنر ایرانی در دبی هستیم، اما این بار از جنسی دیگر؛ فروش تعدادی از آثار موزه امام علی که بحث‌های زیادی را درباره نحوه خروج، به امانت سپردن و فروش آثار موزه‌ای مطرح کرده تا جایی که در یکی از تازه‌ترین واکنش‌ها، مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، از ورود دادستانی به این ماجرا خبر داده است.

با توجه به اینکه پیگیری بر سر تعداد آثار به‌فروش‌رفته، مدیران یا سازمان‌های مرتبط و مسائلی از این دست از سوی مراجع و رسانه‌های مختلف در حال پیگیری است، ما در این گزارش به سراغ وضعیت موزه امام علی طی این سال‌ها و گنجینه‌ای که به مرور به انباری سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تبدیل شده است، رفته‌ایم.

درهایی که بسته بودند

اگرچه موزه هنرهای دینی امام علی در سال ۸۲ آغاز به کار کرد، اما از سال ۸۵ به واسطه برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های هنری، نامش برای خیرنکاران هنری و رسانه‌ها آشناتر شد. درواقع بعد از آنکه محمد مهدی عسگریور کارگردان سینما، به عنوان معاونت هنری این سازمان انتخاب شد، محسن هاشمی نیز به عنوان مدیر امور هنرهای تجسمی و موزه‌های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری به این سازمان رفت. او درباره حال و هوای موزه در آن روزها به «شرق» گفت: «اسفند ۱۳۸۴ مدیریت جشنواره فیلم فجر را ترک کردم و توسط آقای عسگریور برای مدیریت موزه‌ها و هنرهای تجسمی دعوت به کار شدم. بعد از انتصابم تصمیم گرفتم از موزه امام علی به عنوان بزرگ‌ترین

زیرمجموعه‌ام بازدید کنم». هاشمی اولین روز بازدید از موزه را این‌طور تعریف کرد: «درها بسته بود، برای ورود گفتند باید اجازه بگیریم. تلفن زدند و ظاهراً اجازه دادند. فردی به نام دکتر بهزادی رئیس موزه بود. وقتی گفتم چرا درها بسته هستند؟ گفت که موزه است. گفتم موزه برای بازدید است و او جواب داد که هر وقت برنامه داشته باشیم، درها را باز می‌کنیم». هاشمی در اردیبهشت سال ۸۵ برنامه‌ای برای موزه‌ها تنظیم کرد تا آنها به صورت هیئت امنایی اداره شوند و از این طریق تنها تصمیم‌گیرنده آثار و نمایشگاه‌ها، فرد موزه‌دار نباشد. با تغییر رئیس موزه، هاشمی هم‌زمان مدیریت موزه و امور تجسمی را بر عهده گرفت و دفتر کارش را به موزه امام علی منتقل کرد. اساسنامه‌ای برای موزه تدوین شد که مورد تأیید عسگریور و عسگری (رئیس وقت سازمان فرهنگی-هنری شهرداری) قرار گرفت و برای اجرا ابلاغ شد. همچنین هیئت امنایی شدن موزه تأیید شد و نام آن نیز به موزه «هنرهای دینی امام علی» تغییر پیدا کرد.

هاشمی با بیان اینکه پیش از او، رئیس وقت سازمان فرهنگی-هنری شهرداری از دو هنرمند آثاری خریده و بقیه آثار نگهداری‌شده در موزه شامل نسخ خطی، پرده‌خوانی و… بود، افزود: «یکی از اولین کارها، شناسایی آثار گنجینه بود. خانم آریا اقبال و آقایان حسین خسروچردی و جمشید گفت‌شناس را برای شناسایی گنجینه موزه دعوت کردیم. آقای مجتبی حسینی هم به شناسایی آثار خوش‌نویسی پرداخت. صورت‌جلسات کارشناسایی این هیئت در موزه هست و یک نسخه را هم به سازمان فرهنگی-هنری شهرداری فرستادیم.»

چندین نکوداشت نیز برای هنرمندان زنده آن زمان همچون لیلیت تریان، حسن اسماعیل‌زاده (چلیپا)، منوچهر معتبر، اصغر بیچاره، مجتبی ملک‌زاده و اسفندیار احمدیه برگزار شد که به همین مناسبت یکی، دو اثر هم از این هنرمندان خریداری شد. چندین اثر هم با موضوع مرتبط با موزه هنرهای دینی امام علی خریداری شدند؛ ازجمله «بله‌های معرفت» از امیر موبد، تندیس‌های خوش‌نویسی «علی» از جعفر نجیبی یا اثر «تعادل» از محمدحسین عماد. هاشمی درباره تعداد آثار موجود در گنجینه در هنگام مدیریتش گفت: «به صورت مشخص خاطرهم نیست، اما زمانی که موزه را تحویل گرفتیم حدود ۳۰۰،۴۰۰ اثر وجود داشت. حدود ۲۰۰ اثر هم ما اضافه کردیم؛ مثل آثار فرح اصولی و حسین محجوبی یا آثاری که از طریق سمپوزیوم‌ها یا نکوداشت‌ها به گنجینه اضافه شده بودند. شیوه کار این‌گونه بود که اگر بعد از برپایی نمایشگاه‌ها یا سمپوزیوم (سمپوزیوم‌ها در دو بخش هنرمندان تثبیت‌شده و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برگزار می‌شدند)، آثار تولیدشده فاقد ارزش موزه‌ای بودند، مثل بخش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و… این بخش وارد گنجینه نمی‌شدند و تنها ثبت اموال می‌شدند. البته هنگام شناسایی و بررسی آثار از سوی گروه کارشناسی که نام‌شان را ذکر کردم، یکی، دو اثر از فارغ‌التحصیلان هنر واجد ارزش شناخته شد و به همین دلیل به گنجینه راه یافت. این را هم بگویم که تمام آثاری که واجد ارزش شناخته شده‌اند، توسط سروش میلانی‌زاده عکاسی صنعتی شدند.»

از آنجا که در آن دوره برای موزه اساسنامه نوشته شد، از هاشمی درباره شرایط امانت‌دادن یا فروش آثار در اساسنامه موزه پرسیدیم: «در اساسنامه قید شده بود که برای رعایت تضمین‌گیری آثار موزه‌ای به منظور امانت نمایشگاهی، باید تضمین معتبر بانکی ارائه شود، منتها مشخص نکرده بودیم چک، سفته یا ضمانت‌نامه باشد. اما درباره فروش آثار، به‌طور کلی موزه‌ها خودشان وظیفه‌ای در قبال خرید و فروش اثر ندارند و اگر قرار بر فروش اثر شد، باید هیئتی از کارشناسان هنری، آثار موزه‌ای را مشخص کنند و برای بقیه آثار غیرهنری واجد ارزش موزه‌ای هم صورت‌جلسه ارزیابی صاحب‌نظرانی که وابسته به فرمان اداری نیستند، برای تشخیص غیرموزه‌ای بودن آثار تدوین شود.»

کنکاشی در موزه امام علی به بهانه فروش تعدادی از آثار آن در دبی

گنجینه‌ای که انباری شد



سحر آزاد

روزنامه‌نگار

او ادامه داد: «بعد از آن می‌توان آثار غیرموزه‌ای را در یک حراج یا نمایشگاه فروخت؛ مثل خانه هنرمندان که گاهی این کار را انجام می‌دهد. منتها درباره فروش آثار موزه امام علی باید مشخص شود آیا صورت‌جلسه‌ای مبنی بر اینکه آثار فروخته‌شده دارای ارزش موزه‌ای نیستند، وجود دارد یا نه؟ آیا شرکت یا مؤسسه‌ای که آثار غیرموزه‌ای برای فروش به آنها تحویل داده شده، قابل قیاع است؟»

او در ادامه نهادهای رسیدگی‌کننده به این موضوع را سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مسئول نظارت بر اجرای قوانین مالی و قوه قضائیه دانست و عنوان کرد: «ممکن است گفته شود اساسنامه قبلی منسوخ شده است. در این صورت، باید تاریخ اِبلاغ منسوخ‌شدن اساسنامه قبلی بیان شود و اساسنامه جدید را هم جویا شد.» به گفته او پرسش‌های ذکرشده در کنار ابهام درباره مؤسسه‌ای که واسطه فروش آثار بوده و جزئیات توافق‌نامه بین موزه و این مؤسسه باید بررسی شود. ضمن اینکه چنانچه بخشی از آثار با ارزیابی صاحب‌نظران غیراداری، دارای ارزش موزه‌ای تشخیص داده نشده‌اند، واگذاری آنها به گالری‌های موفق تهران برای عرضه داخلی و خارجی به صواب نزدیک‌تر بود.

شکستن بیشتر آثار سرمایه‌کی تناولی

اوج فعالیت موزه امام علی را می‌توان در اواسط دهه ۸۰ دانست. در واقع سازمان فرهنگی-هنری شهرداری و فرهنگستان هنر در آن دوره با برگزاری برنامه‌های فرهنگی، محفلی برای کردهمایی هنرمندان شده و از سوبی رقیب وزارت ارشاد نیز محسوب می‌شدن اما بعد از آن، این موزه در سکوت به فعالیت خود ادامه می‌داد. سایت آن هم از سال ۸۷ غیرفعال کرد، از دسترس خارج شد. این موضوع از آن

نظر اهمیت دارد که توجه کنیم موزه امام علی در سال‌های گذشته به انبار سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تبدیل شده بود و بسیاری از آثار دیگر بخش‌های این سازمان برای نگهداری به این موزه منتقل می‌شدند. هرچند به دلیل نبود سایت یا منبع رسمی، اطلاعات شفاف و جامعی درباره وضعیت گنجینه موزه در دسترس نیست اما طبق اخبار منتشرشده و پیگیری‌های جستنه و گریخته ما برآورد می‌شود که حدود سه‌هزار و ۵۰۰ اثر شامل نقاشی، حجم، فرش، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، خوش‌نویسی و… در این موزه نگهداری می‌شود. طبیعی است که همه آنها در زمره آثار درجه یک و باکیفیت قرار نمی‌گیرند اما به غیر از اطلاعاتی که از طریق آثار موجود در زمان محسن هاشمی جویا شدیم، به طور مشخص از روی اسنادی

که مشخصات ۳۰ اثر خارج‌شده از موزه را فاش کرده، می‌توان به نام‌های شناخته‌شده‌ای در هنرهای تجسمی رسید؛ ازجمله محمود جوادپور، حسین محجوبی، صادق تبریزی، علی‌اکبر صادقی، هانیبال الخاص، رضا هدایت، رضوان صادق‌زاده، خسرو خسروی، آنه محمدتاتاری، مهدی حسینی و احمد وکیلی.

همچنین روزنامه سازندگی بخش دیگری از آثار گنجینه را شامل ۶۴ اثر حجم و نقاشی از پرویز تناولی، ۷۰ نقاشی از محمدعلی ترقی‌جاه و ۹۸ اثر از جواد حمیدی، ۱۹ اثر از علی‌اکبر صادقی، دو اثر از سهراب سپهری، یک اثر از بهمن محضی، یک اثر از آیدین آعداشلو و آثاری از سیراک ملکوونیان، پرویز کلانتری، فرح اصولی، منوچهر معتبر، حسین خسروچردی، صداقت جباری، ایرج اسکندری و… برشمرده است.

احتمالا همان‌طورکه پیش‌ازاین گفتیم، بخشی از این آثار از سوی دیگر بخش‌های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری برای نگهداری به گنجینه موزه امام علی راه یافته است. یکی از خبرسازترین نمونه‌های آن آثار پرویز تناولی است که در یک کشمکش چندین‌ساله میان سازمان فرهنگی-هنری شهرداری با این هنرمند قرار داشت. او اسفند ۱۳۹۲ چند روز پس از آنکه ترفیقل برای بردن مجسمه‌هایش به منزلش آماده بود، به «شرق» گفت: «در دادگاهی که ششم بهمن برگزار شد، حکمی صادر شد که براساس آن می‌توانسم آثار را به منزل منتقل کنم. وقتی به موزه امام علی رفتیم، ۱۱ مجسمه را که در تالارهای موزه قابل مشاهده بود، پیدا کردیم و به ما گفتند ۴۷ اثر دیگر در انبارها نگهداری می‌شوند؛ درحالی‌که تاکنون بقیه آثار، در این موزه نمایش داده نشده‌اند اما دادگاه بار دیگر رای داد که باید ۵۷ اثر به موزه هنرهای معاصر تهران منتقل شود که ۱۱ مجسمه از منزل من به موزه منتقل شده است اما هنوز از انتقال ۴۷ اثر دیگر به موزه هنرهای معاصر خبری نیست.»

او همچنین درباره شایعاتی مبنی بر اینکه هدف او از بازیس‌گیری آثار، فروش آنهاست، چنین اظهار کرده بود: «به‌هیچ‌وجه قصد فروش این آثار را ندارم. متأسفانه دو سال پیش عده‌ای با مشاور یکی از حراج‌های بین‌المللی تماس گرفته و خواستار فروش آثارم به این حراجی شده بودند. درواقع آنها برای فروش مجسمه‌هایم قصد تانی داشتند که همان زمان هم مشاور آن مؤسسه حراج و هم خود من به‌شدت جلوی این قضیه ایستادیم.»

بعد از گذشت بیش از یک دهه از این گفته تناولی درباره تلاش برای فروش آثارش وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بخشی از این حرف درباره تعداد دیگری از آثار موزه امام علی

تحقق پیدا کرده است. ماجرا البته وقتی حساسیت‌برانگیز می‌شود که یادآور جایگاه مجسمه‌های تناولی شویم و اشاره کنیم که اثر «پرسپولیس» او در سال ۲۰۰۸ در حراج کریستیز با قیمتی بیش از ۲.۸ میلیون دلار رکورددار فروش اثر هنری در خاورمیانه شد. اینها در حالی است که به نظر می‌رسد حدود هفت، هشت مجسمه دیگر از تناولی که در گنجینه موزه امام علی نگهداری می‌شوند، از نظر قیمتی درخور توجه هستند و حتی گفته می‌شود توان رقابت با اثر «پرسپولیس» را دارند. طبق شنیده‌های دیگر بیشتر آثار سرمایه‌کی تناولی که در گنجینه موزه بوده‌اند، شکسته شده‌اند و برخی از آثار حجمی او نیاز جدی به مرمت دارند. هرچند نیاز به مرمت و رسیدگی، منوط آن آثار تناولی نمی‌شود و گویا به‌هم‌ریختگی گنجینه و وضعیت نادرست نگهداری آثار موجب آسیب به آثار دیگر هنرمندان نیز شده است، مانند اثری از قدرت‌الله عاقلی. صاحب رسانه و کارشناسان، درباره شفافیت در این زمینه اطلاع‌رسانی بیشتری شود تا نگرانی عمومی درباره شرایط نگهداری از آثاری هنری که جزئی از اموال عمومی هستند، رفع شود.

شرق

گالری

«آرت بوک ۱» برای هنر گذشته واکنون



نمایشگاه «آرت بوک۱» با نمایش کتاب‌های هنری نفیس از روز جمعه، ششم مهرماه از ساعت ۱۶:۰۰ در گالری آرتبیشین به نمایش درآمده است.

آرت بوک را می‌توان به‌عنوان اصطلاحی کلی برای کتاب‌های هنری در نظر گرفت. در نمایشگاه پیش‌رو این دست آثار نیز عرضه شده‌اند.

کتاب‌های هنری نفیس متعددی در این رویداد به نمایش درآمده که می‌توان از میان آنها به کتاب‌های «هنر معاصر ایران» با آثاری از معصومه سیحون، بهمن محمصی، ابوالقاسم سعیدی، سهراب سپهری، پرویز تناولی و حسین زنده‌رودی چاپ انستیتوی گوته، «مجموعه آثار رضا عباسی» در شش جلد، «به باغ همسفران» با آثاری از حسین کاظمی، سهراب سپهری و هوشنگ پرشک‌نیا، «سر این خط را بگیر و بیا» با آثاری از پرویز کلانتری، «اوستا از دیدگاه هنر نو» با نگاره‌های مسعود عرفشاهی، «دیباچه» با آثاری از اردشیر محمصی، «پیشگامان هنر نوگرای ایران» با آثاری از پرویز تناولی و کاتالوگ‌هایی از نمایشگاه‌های هنری پیش از سال ۱۳۵۷ در گالری‌های زند، زروان، دوره اول بی‌پنال‌که به صورت کتابچه تهیه شده بوده و… اشاره کرد.

همچنین بخشی از این نمایشگاه با آثاری از هنرمندان مرتبط با آرت‌بوک‌های یادشده بر روی دیوار برگزار می‌شود.

در توضیح این نمایشگاه آمده: «می‌توان در بیانی اجمالی از این عبادت معاصر و حاضر از قرن بیستم تاکنون به‌عنوان پیوندی میان فرهنگ مکتوب و تصویری و نمایش هنر بر جایی دور از دیوار‌ها بهره گرفت. مهم‌تر از هر دو دستاورد یادشده باید به حفظ و آرشو دوران مشخصی از زندگی هنری هنرمندی با تاریخ هنری اشاره کرد. نمایش آرت‌بوک‌ها در گالری آرتبیشین بهانه‌ای برای یادآوری ارزش‌های این‌پدیده هنری است که موزه‌ها و مجموعه‌داران شاخصی ازجمله لیلیانا دیمیتسی را در طول دوران با خود همراه کرده و نقشی مجزا از بازار هنر را به خود اختصاص می‌دهد. به طور مثال براساس گزارش سایت آرت‌چارت، مجموعه پرسپولیس از مرجانه ساتراپی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در حراج ساتبیز به نمایش درآمده و به فروش رسیده است که یکی از نمونه‌های مهم آرت بوک محسوب می‌شود.»

علاقه‌مندان می‌توانند از نمایشگاه «آرت بوک ۱»، هر روز از ساعت ۱۱:۰۰ تا ۲۰:۰۰ و روز افتتاحیه و سایر جمعه‌ها از ساعت ۱۶:۰۰ تا ۲۰:۰۰ در گالری آرتبیشین بازدید کنند.

نشانی گالری: تهران، خیابان ولی‌عصر، بعد از پل پارک‌وی، بالاتر از خیابان فرشته، روبه‌رویی بانک صنعت و معدن، پلاک ۲۷۹۸، ساختمان آرت‌هال.

خبر

همسفر با آفتاب

نمایشگاه «همسفر آفتاب» (مروزی بر آثار فرخ شایسته) روز شنبه ۱۵ مهر جاری در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح شد.

نمایشگاه «همسفر آفتاب» (مروزی بر آثار فرخ شایسته) به نمایشگاه‌گردانی رضا دبیری‌نژاد، شامل بیش از ۲۰۰ اثر در قالب ۱۷ مجموعه از سه دوره کاری این هنرمند در ایران و خارج از ایران است. شایسته نژد پدر و هنرمندان برجسته شیراز با سنت‌های هنری ایرانی ازجمله نگارگری و پس از تحصیل در غرب با گرایش‌های جدید هنری آشنا شد.

او تجربه‌ها و یافته‌های خود در غرب و پس از آن در ژاپن را در هم می‌آمیزد و پیوندی از این نگرش‌های هنری را در سه گالری موزه به نمایش می‌گذارد. فرخ شایسته بیش از سه دهه در ژاپن زیسته و به تدریس آکادمیک هنر پرداخته و ده‌ها نمایشگاه در خارج از ایران برگزار کرده است. نمایشگاه «همسفر آفتاب» مروزی بر تجربه‌ها و سفرهای او در عالم هنر از شرق تا غرب به شمار می‌آید که اکنون دوباره به سرزمین مادری خود بازگشته است.